



The University of
Tehran Press

Online ISSN: 2588-7092

Journal Homepage: <https://jflr.ut.ac.ir/>



A Survey of the Symbolic Order and the Eruption of the Real Order in Don DeLillo's *Falling Man*: A Žižekian Reading

Amir Riahi Nouri¹

1.- Department of English Language, Faculty of Human Sciences, Ghiasedin Jamshid Kashani University, Qazvin, Iran. E-mail: ariahinouri@jku.ac.ir

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:

Received: 13 July 2025

Received in revised form: 15
November 2025

Accepted: 21 November 2025

Available online: 18 April
2026

Keywords:

*The Symbolic Order, The Real
Order, symbolization, Slavoj
Žižek, Don DeLillo, Falling
Man*

ABSTRACT

The present article surveys the process of symbolization in the Symbolic Order and the eruption of the Real as explored through Don DeLillo's post-9/11 novel *Falling Man*. This study is based on the descriptive-analytical method, examining DeLillo's novel drawing on the philosophical ideas of the eminent contemporary philosopher Slavoj Žižek. From Žižek's perspective, the subject, like a machine, is governed by the laws of symbolization and consequently rendered invisible within the Symbolic. It is this eruption of the Real that participates the subject's act of decision. Soon after that, we will witness the reemergence of the subject at the threshold between the Symbolic and the Real. Applying Žižek's critical ideas to *Falling Man*, it seems that what happens on September 11th is a meaningless thing in itself, and the various narratives and interpretations that followed are attempts to incorporate it into the Symbolic Order. Finally, it can be concluded that in DeLillo's *Falling Man*, the narrative of art (including DeLillo's novel itself as a work of art), provokes the eruption of the Real and, contrary to the logic of the Symbolic Order, makes the audience confront the Real by depicting men and women who jumped to their deaths from the burning towers of the World Trade Center.

Cite this article A. Riahi Nouri, "A Survey of the Symbolic Order and the Eruption of the Real Order in Don DeLillo's *Falling Man*: A Žižekian Reading. *Research in Contemporary World Literature*, 31(1), 1-12 <https://doi.org/10.22059/jor.2025.398525.2679>



© Author(s) retain the copyright.

Publisher: The University of Tehran Press.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jor.2025.398525.2679>



بررسی امر نمادین و جوشی امر واقعی در رمان مرد در حال سقوط اثر دان دلیلو: خوانشی ژئیک

امیر ریاحی نوری^{۱✉}

۱- گروه زبان انگلیسی دانشکده علوم انسانی دانشگاه غیاث الدین جمشید کاشانی، قزوین، ایران. رایانامه: ariahinouri@jku.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: مقاله پژوهشی</p> <p>تاریخچه مقاله: تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۲۲ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۸/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۳۰ تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۱/۲۹</p> <p>کلیدواژه‌ها: امر نمادین، امر واقعی، نمادسازی، اسلاوی ژئیک، دان دلیلو، مرد در حال سقوط</p>	<p>مقاله حاضر با خوانشی انتقادی به واکاوی امر واقعی و فرایند نمادسازی در امر نمادین با نگاهی به رمان مرد در حال سقوط اثر دان دلیلو می‌پردازد. این نوشتار پژوهشی است بنیادی بر مبنای روش توصیفی-تحلیلی که از مواضع فکری نظریه‌پرداز معاصر اسلاوی ژئیک بهره می‌جوید. از دیدگاه ژئیک، سوژه پیش از جوشش امر واقعی همانند ماشینی تحت تأثیر قوانین نمادسازی و به تبع آن ناپیدا در امر نمادین هست و این جوشش امر واقعی است که سوژه را ملزم به اتخاذ تصمیم می‌نماید. لذا، پس از آن، شاهد پیدایش دوباره سوژه در محل تلاقی امر نمادین و امر واقعی خواهیم بود. با توجه به کاربست آرای ژئیک، چنین به نظر می‌رسد که آنچه در یازدهم سپتامبر اتفاق افتاد امری ثابت و به‌خودی‌خود بی‌معنی است و روایت‌ها و تفسیرهای گوناگون پس از آن تلاش‌هایی برای تکه‌تکه کردن آن در امر نمادین می‌باشند. علاوه بر آن، چنین استدلال می‌گردد که در رمان دلیلو، روایت هنر (شامل خود رمان دلیلو به‌عنوان اثری هنری)، با به تصویر کشیدن مردان و زنانی که از برج‌های در حال سوختن مرکز تجارت جهانی به کام مرگ پریدند، جوشش امر واقعی را تسهیل نموده و مخاطبان را بر آن می‌دارد که برخلاف اصول و قواعد امر نمادین، با امر واقعی مواجه گردند.</p>

استناد: امیر ریاحی نوری، "بررسی امر نمادین و جوشش امر واقعی در رمان مرد در حال سقوط اثر دان دلیلو: خوانشی ژئیک". *پژوهش ادبیات معاصر جهان*، ۳۱ (۱).

<https://doi.org/10.22059/jor.2025.398525.2679>

۱۲-۱



© نویسندگان.

ناشر: انتشارات دانشگاه تهران.

۱- مقدمه

مقاله حاضر با خوانشی انتقادی به مطالعه فرایند نمادسازی^۱ در امر نمادین^۲ و جوشش امر واقعی^۳ در رمان مرد در حال سقوط^۴ اثر دان دیلو^۵ می‌پردازد. این نوشتار از مواضع فکری نظریه‌پرداز شهیر معاصر اسلاوی ژیزک^۶ بهره می‌جوید. علاوه بر آن، جستار پیش‌رو به بررسی بازنمودهای رمان از ناپیدایی سوژه^۷ پیش از تلاقی امر نمادین و امر واقعی و سپس پیدایش آن در فضایی میان امر نمادین و امر واقعی می‌پردازد. از دیدگاه ژیزک، سوژه پیش از جوشش امر واقعی همانند ماشینی تحت تأثیر قوانین نمادسازی و به تبع آن ناپیدا در امر نمادین هست و این جوشش امر واقعی است که سوژه را ملزم به اتخاذ تصمیم می‌نماید. لذا، پس از اتخاذ تصمیم، شاهد پیدایش دوباره سوژه در محل تلاقی امر نمادین و امر واقعی خواهیم بود. در نتیجه، امر واقعی آن چیزی است که پس از حذف امر نمادین از رویداد باقی می‌ماند. به‌طور خلاصه، امر واقعی از این منظر پس از امر نمادین می‌آید؛ در پشت نمادگرایی باقی می‌ماند؛ در برابر آن مقاومت می‌کند و تنها به‌عنوان شکست یا خال در امر نمادین ظاهر می‌شود. در کلام ژیزک، «دقیقاً این بی‌توجهی نسبت به نمادگرایی است که تابش را در جهت امر واقعی قرار می‌دهد» (۱۹۹۱، ب، ۳۳). لذا، در یک رویداد، این امر واقعی است که ثابت و بدون تغییر می‌ماند و برخلاف آن، امر نمادین به تفسیر و تغییر معنای آن رویداد می‌پردازد. به کلامی دیگر، درحالی که امر واقعی ثابت می‌ماند، نحوه تفسیر ما از آن توسط امر نمادین تغییر می‌کند. به‌طور خلاصه، هر چیزی که دارای تعبیر و تفسیرهای متفاوتی است، بیانگر حضور امر واقعی است (نقل شده در مایرز ۲۰۰۳، ۲۵).

رمان مرد در حال سقوط در زمره ادبیات پس از یازدهم سپتامبر قرار می‌گیرد. توصیف دیلو از حال و هوای ماه‌های پس از یازدهم سپتامبر «هزاران رؤیای سنگین، مرد به دام افتاده، اندام‌های ثابت، رؤیای فلج، مرد در حال نفس‌نفس زدن، رؤیای خفگی، رؤیای درماندگی» است (دیلو ۲۰۰۷، ۲۳۰). در رابطه با ادبیات پس از یازدهم سپتامبر و با توجه به چارچوب نظری مقاله، چنین به نظر می‌رسد که آنچه در یازدهم سپتامبر اتفاق افتاد امری ثابت و به‌خودی‌خود بی‌معنی است و روایت‌ها و تفسیرهای گوناگون پس از آن تلاش‌هایی برای تکه‌تکه کردن آن در امر نمادین می‌باشند. بر این اساس، نوشتار حاضر به واکاوی بازنمودهای رمان پس از یازدهم سپتامبر مرد در حال سقوط از امر نمادین و جوشش امر واقعی می‌پردازد. پرسش‌های مطروحه این تحقیق بدین شرح است: تصویرپردازی رمان مرد در حال سقوط از امر نمادین و جوشش امر واقعی به چه صورت است؟ چگونه در رمان پیش‌گفته، سوژه در محل تلاقی امر نمادین و امر واقعی ظاهر می‌شود؟ چه نقشی هنر در جوشش امر واقعی و آشکار شدن سوژه در فضای میان امر نمادین و امر واقعی ایفا می‌کند؟ در خاتمه، چنین استدلال می‌گردد که روایت هنر (و البته رمان دیلو به‌عنوان اثری هنری)، با به تصویر کشیدن مردان و زنانی که از برج‌های در حال سوختن مرکز تجارت جهانی به کام مرگ پریدند، جوشش امر واقعی را تسهیل نموده و مخاطبان را بر آن می‌دارد که برخلاف اصول و قواعد امر نمادین، با آنچه ژیزک امر واقعی می‌خواند، مواجه گردند. پیش از شروع بحث و بررسی، نظریات و آرای منتقدان و صاحب‌نظران پیرامون این موضوع موردبررسی قرار می‌گیرد.

۲- پیشینه پژوهش

با توجه به اسلوب مقاله حاضر، گزیده مطالعات صورت پذیرفته پیرامون موضوع نوشتار به شرح زیر است: متین پارسا و شریف در مقاله‌ای با عنوان «قدرت و هویت راویان پساترور: یازده سپتامبر و بازسازی ذهنی تروما در رمان مرد در حال سقوط اثر دان دیلو» ضمن بررسی روانشناختی-فرهنگی حوادث یازدهم سپتامبر با بهره‌مندی از نظریه «ناسازگاری شناختی»^۸ فستینگر^۹ و ایده

^۱ Symbolization

^۲ The Symbolic Order

^۳ The Real Order

^۴ *Falling Man*

^۵ Don DeLillo

^۶ Slavoj Žižek

^۷ Subject

^۸ Cognitive dissonance

^۹ Festinger

«جهش‌های شناختی بسیار بزرگ»^۱ الن اویانگ^۲، شناخت خواننده را عامل مهمی قلمداد می‌کنند که «در نهایت باعث می‌شود ترومای یازده سپتامبر از نو ساخته شود» (۲۰۱۹، ۲۹۰). ریاحی نوری و سلامی در مقاله‌ای با عنوان «روایت تروریستی رسانه‌های جمعی پس از حملات یازدهم سپتامبر: خوانشی بودریاری از رمان مرد در حال سقوط اثر دان دلپلو» با استفاده از نظریات ژان بودریار^۳ به بررسی «نقش هنرمند در ارائه‌ی مقاومت سیاسی در برابر روایت وحشت برآمده از رسانه‌های گروهی پس از حوادث تروریستی یازدهم سپتامبر» می‌پردازند (۲۰۲۲، ۱۴۹). مردنی و قاسمی طاری نیز با استفاده از نظریه‌ی شرق‌شناسی^۴ ادوارد سعید^۵ به بررسی رمان‌های تروریست^۶ نوشته‌ی جان آپدایک^۷ و مرد در حال سقوط می‌پردازند. مقاله‌ی فوق چنین استدلال می‌نماید که آپدایک و دلپلو «از همان قالب‌ها و کلیشه‌هایی استفاده می‌کنند که از زمان قرون‌وسطی در مورد مسلمانان وجود داشته است» (۲۰۱۱، ۲۳۳). لیندا کافمن ضمن اشاره به جلسات لیان^۸ با بیماران مبتلا به آلزایمر در خانه‌ی سالمندان تصریح می‌کند که رمان از بیماری آلزایمر به‌عنوان «استعاره‌ای برای شرایط پس از یازده سپتامبر استفاده می‌کند: همه شخصیت‌ها در حالت تعلیق زندگی می‌کنند، با این حس که عذابی قریب‌الوقوع در انتظارشان است و نمی‌توانند از آن جلوگیری کنند» (۲۰۱۱، ۱۴۵). پریادارشینا گوپتا توضیح می‌دهد که چگونه مسلمانان پس از حملات یازدهم سپتامبر به‌عنوان «خوب»، «بد» یا «میان‌رو» طبقه‌بندی شدند. البته، گوپتا این دسته‌بندی‌ها را رویکردی «تقلیلی» می‌داند زیرا «وقتی صحبت از درک ساختارهای پیچیده مسلمانان در جهان پس از یازدهم سپتامبر می‌شود، یک آرمان سیاسی شده از معنای مسلمان بودن تحمیل می‌گردد» (۲۰۲۵، ۱۱۶). هنری وگیان رمان مرد در حال سقوط را آینه‌ای در مقابل رمان قبلی وی یعنی نویز سفید (۲۰۱۵، ۱۹۸۵) تلقی می‌کند. او استدلال می‌کند که مرد در حال سقوط «نمایشی عاشقانه در مورد یک خانواده است که پس از یک فاجعه اتفاق می‌افتد» (وگیان ۲۰۱۵، ۱۰۱). باکسال ادعا می‌کند که مرد در حال سقوط را می‌توان «پاسخی به شکست سلطه‌ی جهانی ایالات‌متحده پس از یازده سپتامبر» قلمداد نمود (۲۰۰۹، ۱۷۱). پاول پتروویچ با تمرکز بر روایت «کودکان به‌شدت فردگرا»، به مقاومتی فعال در این کودکان اشاره می‌کند، به‌گونه‌ای که هرچه «جاستین بیشتر در سکوت فرو می‌رود...» [بیشتر] در فرهنگ خود فعال می‌ماند» (۲۰۱۴، ۵۹۷، ۵۹۸، ۶۰۳). سرانجام، لیلیانا نایدان به پناه‌بردن لیان به مذهب کاتولیک اشاره می‌کند و بیان می‌کند که شعائر مذهب کاتولیک مانند تولد مسیح، معجزات وی، شهادت و ظهور مجدد او احتمالاً «موجب ایجاد باور در غیاب واقعیت می‌شوند» (۲۰۱۴، ۱۰۰).

بر این اساس، اگرچه تحقیق پیرامون ادبیات ترور^۹ در سال‌های اخیر مورد اقبال پژوهشگران در ایران قرار گرفته است، اهمیت حوادث تروریستی یازدهم سپتامبر و بازنمودهای آن در ادبیات انگلستان و آمریکا پژوهش‌های بیشتری را طلب می‌نماید. شایان‌ذکر است اغلب مطالعات صورت پذیرفته پیرامون ادبیات ترور و رمان مرد در حال سقوط از نظریات ژان بودریار، ادوارد سعید و یا نظریه‌ی روان‌زخم بهره می‌جویند و لذا، بررسی رمان مرد در حال سقوط با توجه به مفاهیم امر واقعی و فرایند نمادسازی ژئیک موضوعی جدید و درخور توجه است. در ادامه به تشریح آرای ژئیک در خصوص فرایند نمادسازی، امر نمادین و امر واقعی می‌پردازیم.

۳- ساختار نظری: ژئیک، «فیلسوف واقعیت»

این نوشتار پژوهشی است بنیادی بر مبنای روشی توصیفی-تحلیلی که از مواضع فکری نظریه‌پرداز شهیر معاصر اسلاوی ژئیک در بهره می‌جوید. شهرت اسلاوی ژئیک در زمینه فلسفه است. با این حال، وی را نمی‌توان فیلسوفی متعارف به‌شمار آورد زیرا ژئیک

¹ huge cognitive leaps

² Elaine Auyoung

³ Jean Baudrillard

⁴ Orientalism

⁵ Edward Said

⁶ Terrorist

⁷ John Updike

⁸ Lian

⁹ Literature of terror

«به شیوه‌ای سرگرم‌کننده فکر می‌کند و می‌نویسد؛ او دائماً فلسفه را لذت‌بخش می‌کند» (مایرز ۲۰۰۳، XIV). تری ایگلتون^۱ (۱۹۴۳) نیز ژیزک را به‌عنوان یکی از درخشان‌ترین و توانمندترین «شارحان [نظریه] روانکاوی و به‌طور کلی نظریه فرهنگی» توصیف می‌کند «که در چند دهه اخیر در اروپا ظهور کرده است» (۱۹۹۷، ۴). لازم به ذکر است گئورگ هگل^۲ در زمینه فلسفه، کارل مارکس^۳ در حوزه سیاست و ژاک لاکان^۴ در بحث روانکاوی بیشترین تأثیر را بر ژیزک داشته‌اند. فلسفه هگل بر روش ذهنی ژیزک تأثیر می‌گذارد. منش سیاسی مارکس انگیزه و دلیل نگارش آثار وی است و نظریه روانکاوی لاکان چارچوب نظری بحث و تحلیل ژیزک است (مایرز ۲۰۰۳، XIV).

از ژیزک به‌عنوان «فیلسوف واقعیت» یاد می‌شود. البته چنین تعبیری نوعی بازی با کلمه «واقعی» است زیرا از یک طرف ژیزک به‌جای پرداختن به موضوعات انتزاعی، به بحث فلسفی در مورد موضوعات «واقعی» مانند طرح‌های انواع توالی در اروپا (طاعون فانتزی‌ها) و یا فیلم‌های هالیوودی (از نشانگان خود لذت ببرید) می‌پردازد که با توجه به گستره پژوهش، پرداختن به آن‌ها در حوصله این جستار نیست. از طرف دیگر، لقب «فیلسوف واقعیت» به شرح و بسط ژیزک بر آنچه «امر واقعی» لاکانی می‌دانیم، نیز اشاره دارد؛ مفهومی که ژیزک آن را گسترش داده و تا حدودی از آن خود کرده است. به‌طور خلاصه، لاکان عملکردهای ذهنی انسان‌ها را بر مبنای سه امر خیالی، نمادین و واقعی طبقه‌بندی می‌کند. لازم به توضیح است که بسیاری از نظریه‌پردازان و تاثیرپذیران از لاکان بر رابطه میان امر نمادین و امر خیالی متمرکز می‌باشند (برای مثال ن. ک. ب. آرای فمینیست‌های فرانسوی). برخلاف آن‌ها، در آثار ژیزک، امر نمادین و امر واقعی از اهمیت بیشتری برخوردار هستند، زیرا ژیزک آشکار شدن سوژه را در محل تلاقی این دو امر می‌داند.

ژیزک امر واقعی را در حوزه‌هایی از زندگی جستجو می‌کند که نمی‌توان آن‌ها را شناخت. از دیدگاه لاکان، کسب دانش ما از جهان به‌واسطه زبان امکان‌پذیر است. ما هرگز قادر نیستیم چیزی را مستقیماً و بدون واسطه زبان درک کنیم. با در نظر گرفتن این نکته، تعریف ژیزک از امر واقعی، جهان قبل از تکه‌تکه شدن توسط زبان است. البته، در کلام ژیزک، «ابهام امر واقعی لاکانی صرفاً هسته غیرنمادین نیست که به‌صورت «بازگشت‌ها» و «پاسخ‌های» ناگهانی و روان‌زخم‌گونه در امر نمادین ظاهر شود» (۱۹۹۱، ب، ۳۵). بلکه، امر واقعی آن چیزی است که پس از حذف امر نمادین از رویداد باقی می‌ماند.

ژیزک از دو نمای به‌ظاهر متضاد نیز به رابطه میان امر واقعی و امر نمادین نگاه می‌کند. از یک‌سو، امر واقعی مقدم بر امر نمادین است، زیرا امر واقعی آن چیزی است که امر نمادین روی آن کار می‌کند و آن را به قطعات مجزا و قابل تفسیر تقسیم می‌کند. از سوی دیگر، امر واقعی باقیمانده فرایند تفسیر امر نمادین است و لذا پس از امر نمادین قرار می‌گیرد. به‌طور خلاصه، امر واقعی از این منظر پس از امر نمادین می‌آید؛ در پشت نمادگرایی باقی می‌ماند؛ در برابر آن مقاومت می‌کند و تنها به‌عنوان شکست یا خلأ در امر نمادین ظاهر می‌شود. در کلام ژیزک، «دقیقاً این بی‌توجهی نسبت به نمادگرایی است که تابش را در جهت امر واقعی قرار می‌دهد» (۱۹۹۱، ب، ۳۳).

بر این اساس، هر چیزی که دارای تعبیر و تفسیرهای متفاوتی است، بیانگر حضور امر واقعی است. برای مثال، ویروس سارس کوو ۲ که در اوایل ماه دسامبر ۲۰۱۹ در شهر ووهان^۶ چین گسترش یافت و منجر به مرگ انسان‌های بسیاری در سراسر جهان شد، نمونه خوبی در این زمینه است. از دیدگاه گروهی، شیوع ویروس ناشی از انتقال عفونت توسط یک حیوان آلوده بوده است. گروه دیگری بر این باور هستند که ویروس به‌طور اتفاقی از یک آزمایشگاه ویروس‌شناسی در شهر ووهان پدید آمده است. گروهی

¹ Terry Eagleton

² Georg Hegel

³ Karl Marx

⁴ Jacques Lacan

⁵ Sars Cov 2

⁶ Wuhan

دیگر نیز گسترش بیماری کووید ۱۹^۱ را تنبیه شدن انسان به دلیل دخالت وی در امور طبیعی و گروهی دیگر نیز آن را طرحی برای کاهش جمعیت، به‌ویژه جمعیت سالمندان در سراسر جهان می‌دانند. این توضیحات در خصوص واقعیت ویروس و بیماری ناشی از آن می‌باشند که صرف‌نظر از دلایل نسبت داده‌شده به آن، ادامه می‌یابند. لذا، ویروس امر واقعی است که بدون تغییر باقی می‌ماند. بنابراین، بیماری به‌خودی‌خود بی‌معنی است و تفاسیر پیش‌گفته تلاش‌هایی برای نمادین کردن آن است. نکته قابل‌تأملی که ژیک در مورد رابطه میان امر واقعی و امر نمادین مطرح می‌نماید این است که اگر امر نمادین روایتی ناقص یا ناکافی از امر واقعی نبود، یا به‌عبارتی‌دیگر، اگر قادر به درک بدون واسطه امر واقعی بودیم، دیگر به‌عنوان سوژه وجود نداشتیم زیرا این فرایند نمادگرایی و تفسیر است که سوژه را زنده نگه می‌دارد. دلیل این است که اگر همه‌چیز به‌طور کامل و بدون واسطه فرایند نمادگرایی درک می‌شد؛ اگر هیچ تفاوتی میان نحوه درک جهان توسط اشخاص مختلف وجود نداشت؛ اگر هر دالی کاملاً با مدلول خود مطابقت داشت و اگر هر نشانه‌ای با مرجع خود مطابقت داشت، دیگر هیچ زنجیره دلالتی وجود نمی‌داشت. در نتیجه، تنها چیزی که وجود داشت امر نمادین در تطابق کامل با امر واقعی بود. لذا، آن چیزی که ما را انسان می‌کند، یا به‌طور دقیق‌تر، آن چیزی که ما را سوژه می‌کند، زنجیره دلالت و تصمیماتی است که در مورد آن می‌گیریم و اگر نظام دلالت ناپدید شود، انسان‌ها نیز به‌همراه آن ناپدید می‌شوند. به نقلی دیگر، اگر هیچ تعاملی میان این دو امر وجود نداشت، چیزی به نام سوژه اصلاً وجود نمی‌داشت (نقل شده در مایرز ۲۰۰۳، ۲۷).

در نتیجه، ژیک، برخلاف دکارت^۲، سوژه را در فضایی خالی و عاری از هرگونه محتوا قرار می‌دهد. به‌عبارت‌دیگر، سوژه یک خلأ است. از نظر ژیک، همین خلأ است که گذار از طبیعت به فرهنگ را ممکن می‌سازد زیرا اگر هیچ شکافی میان یک چیز (اژه)^۳ و بازنمایی آن چیز (کلمه) وجود نداشت، آن‌ها یکسان بودند و جایی برای نمادگرایی وجود نداشت. بر این اساس، کلمات تنها در صورتی می‌توانند وجود داشته باشند که از عاری از وجود اژه گردند. بنابراین، نابودی اژه همان تولد کلمه است و سوژه حلقه گمشده و یا در کلام ژیک «میانجی در حال ناپدید شدن» بین وضعیت طبیعی و وضعیت فرهنگی است که ژیک پس از کتاب *زیرا آن‌ها نمی‌دانند چه می‌کنند* پیوسته از آن استفاده کرده است^۴. لذا، ماقبل از اینکه بتوانیم جایگزینی برای امر واقعی در قالب امر نمادین بسازیم، باید امر واقعی را نابود کنیم (ن ک ب شهیدی تبار ۲۰۲۱). به‌طور خلاصه، سوژه تنها با نفی امر واقعی می‌تواند وارد زبان شود و در پرتو امر واقعی است که لاکان «من فکر می‌کنم، پس هستم» دکارت را به «من جایی که فکر می‌کنم، نیستم» پس جایی که فکر نمی‌کنم، هستم» (ژیک ۱۹۹۱ الف، ۱۶۶) تغییر می‌دهد.

به‌طور خلاصه، سوژه پیش از قرار گرفتن در مرز امر واقعی و امر نمادین ناپیدا است زیرا سوژه پیش از جوشش امر واقعی همانند ماشینی تحت تأثیر قوانین و اصول فرایند نمادسازی است. مرز میان امر نمادین و امر واقعی نقطه پیدایش سوژه است. در نتیجه، این فرایند نمادسازی در امر نمادین است که به شکل‌دهی هویت انسان‌ها منجر می‌گردد. این تجربه را هنگام دویدن به مدت یک ساعت یا بیشتر می‌توان احساس کرد. در این حین، ممکن است ناگهان متوجه شویم که چیزی از مسیر دویدن را نمی‌توانیم به‌خاطر بیابوریم. دلیل این امر این است که ما به‌طور خودکار و بدون فکر از قوانین امر نمادین (در اینجا دویدن) پیروی می‌کنیم. در این حالت در طول مسیر، ما تنها بخشی از امر نمادین هستیم و در نتیجه به‌عنوان سوژه ناپیدا شده‌ایم. با این حال، اگر یک وسیله موتوری به سمت ما منحرف شود، باید تصمیم بگیریم که چه کاری انجام دهیم. این رویداد (انحراف وسیله موتوری به سمت ما) همان جوشش امر واقعی است زیرا ما باید تصمیم بگیریم که چه کاری انجام دهیم و در این لحظه تصمیم‌گیری، در انتخاب نحوه برخورد

¹ Covid 19

² Descartes

³ object

^۴ لازم به توضیح است ژیک این مفهوم را از مقاله فردریک جیمسون (1934-2024) با عنوان «میانجی در حال ناپدید شدن؛ یا، ماکس وبر به عنوان قصه‌گو» وام می‌گیرد.

با جوشش امر واقعی، دوباره به‌عنوان سوژه ظاهر می‌شویم. در ادامه، به بحث و تحلیل پیرامون بازنمودهای فرایند نمادسازی و جوشش امر واقعی و پیدایش سوژه در داستان مرد در حال سقوط خواهیم پرداخت.

۴- تحلیل متن

۴-۱ امر واقعی و فرایند نمادسازی در امر نمادین

همان‌گونه که در بخش قبلی بحث شد، هر چیزی که دارای تعبیر و تفسیرهای متفاوتی است، از منظر ژنرک بیانگر حضور امر واقعی است. بر این اساس، حملات گروه تروریستی القاعده در یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ نیز دربردارنده حضور امر واقعی است زیرا تفسیرهای متفاوتی که از حملات و حوادث پس از آن در امر نمادین صورت پذیرفت، ادامه خواهد یافت. برخلاف چنین تفسیرهایی که پیرو قوانین امر نمادین هستند، خود رویداد، صرف‌نظر از تفسیرها و دلایل نسبت داده‌شده به آن بدون تغییر باقی می‌ماند زیرا آنچه در یازدهم سپتامبر اتفاق افتاد به‌خودی‌خود بی‌معنی است و تفسیر پیش‌گفته تلاش‌هایی برای نمادین کردن آن در امر نمادین است. به کلامی دیگر، آنچه در یازدهم سپتامبر اتفاق افتاد، ثابت می‌ماند و معنی را در امر نمادین (تفسیرهای رویداد) می‌توان یافت. دلیل رمان مرد در حال سقوط را با تصویری تکان‌دهنده از نیویورک بلافاصله پس از فروپاشی برج‌های دوقلو آغاز می‌کند. البته، تصویری که دلیل از نیویورک ارائه می‌دهد تصویری کابوس‌گونه از جوشش امر واقعی است که زبان از تفسیر آن عاجز است. همان‌گونه که بالا بحث شد، رابطه میان امر نمادین و امر واقعی رابطه‌ای دوسویه است به‌گونه‌ای که امری واقعی هم‌مقدم بر امر نمادین است و هم‌پس از آن می‌آید. از یک طرف، امر واقعی آن چیزی است که امر نمادین به تفسیر آن پرداخته و از طرف دیگر، امر واقعی امر واقعی آن چیزی است که پس از فرایند نمادسازی و تفسیر رویداد از آن رویداد باقی می‌ماند؛ آنچه در پشت نمادگرایی باقی می‌ماند و در برابر آن مقاومت می‌کند. در نتیجه، امر واقعی از این نظرگاه شکست امر نمادین در فرایند نمادسازی است. بر این اساس، نقطه آغازین داستان شکست امر نمادین و فاقد هرگونه تفسیر پیرامون حوادث یازدهم سپتامبر است به‌گونه‌ای که خوانندگان خود را در برابر امر واقعی می‌یابند. چنین به‌نظر می‌رسد که به‌دلیل شکست فرایند نمادسازی همه‌چیز معنای نمادین خود را از دست داده و غیرقابل تفسیر است. آن‌گونه که در داستان می‌خوانیم:

آن دیگر یک خیابان نبود، بلکه یک جهان بود، زمان و مکان از خاکستر در حال سقوط و شب نزدیک. مرد از میان آوار و گل‌ولای به سمت شمال در حرکت بود. مردمانی به آن سمت می‌دویدند درحالی‌که صورتشان را با حوله و سرشان را با لباس‌هایی پوشانده بودند. آن‌ها دستمال‌هایی را در دهانشان فرو کرده بودند. کفش‌ها را در دست داشتند، زنی با کفش‌هایی در هر دست، از کنار او می‌دوید. آن‌ها دویدند و افتادند، برخی از آن‌ها، گیج و بدقواره شده بودند، آوارهایی که در اطرافشان فرومی‌ریخت و افرادی که زیر ماشین‌ها پناه گرفته بودند. (دلیلو ۲۰۰۷، ۳)

آن‌چنان که مشاهده می‌کنیم بازنمود دلیلو از فروپاشی برج‌های مرکز تجارت جهانی بیانگر مقاومت امر واقعی در برابر فرایند نمادسازی است به‌گونه‌ای که از ابتدای داستان، خواننده اثر قادر به دریافت تصاویر ارائه‌شده بر اساس قواعد حاکم بر امر نمادین نخواهد بود. به نقلی دیگر، خوانندگان مرد در حال سقوط از همان ابتدای رمان با داستانی مواجه می‌گردند که به‌آسانی قابل تکه‌تکه شدن در فرایند نمادسازی نیست. به‌عبارتی‌دیگر، حملات گروه تروریستی القاعده را نوعی جوشش امر واقعی در امر نمادین می‌توان فرض کرد.

با توجه به اولین بند از رمان مرد در حال سقوط، چنین می‌توان استدلال کرد که سهمناکی حملات یکی از دلایلی است که رویداد یازدهم سپتامبر در برابر فرایند تفسیر مقاومت می‌نماید. لذا، جای تعجب نیست که دلیلو در جمله‌ای که بارها از وی نقل شده است، به بزرگی بی‌سابقه حملات اشاره کرده و اعلام می‌کند که پس از وقایع یازدهم سپتامبر، «چیزی در آسمان خالی ماند» (دلیلو ۲۰۰۱، ۳۹). البته، همان‌گونه که در بالا بحث شد، با وجود ثابت ماندن امر واقعی، نمادسازی از آن در امر نمادین با توجه به قوانین دلالت ادامه می‌یابد. در نتیجه، پس از حملات سال ۲۰۰۱، شاهد نمادسازی از آنچه در یازدهم سپتامبر اتفاق افتاد هستیم که تفسیرهای متفاوت از حملات، اهمیت نمادین برج‌های مرکز تجارت جهانی و تفسیرهای مختلف از شخصیت نمادین کیت و حضور ناگهانی وی در برابر خانه همسر سابقش لیان از جمله بازنمودهای فرایند نمادسازی در رمان مرد در حال سقوط می‌باشند.

در این رابطه، آن چنان که در داستان می‌خوانیم علاوه بر اهمیت نمادین حملات یازدهم سپتامبر، برج‌های دوقلوی ویران‌شده مرکز تجارت جهانی نیز دارای اهمیت نمادین در رمان دلیلو می‌باشند و از آن‌ها به‌عنوان نماد پدیده جهانی‌سازی یاد می‌شود. لذا، نابودی آن‌ها و آنچه پس از آن در ویرانه‌ها باقی ماند نیز قابل تفسیر در امر نمادین است به‌گونه‌ای که مارتین ریدنور^۱ برج‌های دوقلو را نوعی رؤیایپردازی هم‌زمان از ثروت و ویرانی تلقی می‌کند و بیان می‌دارد «به همین دلیل است که شما برج‌ها را ساختید، این طور نیست؟ مگر برج‌ها به‌عنوان رؤیای ثروت و قدرت ساخته نشده بودند که روزی به رؤیای ویرانی تبدیل شوند؟ شما چیزی شبیه به آن می‌سازید تا بتوانید پایین آمدن آن را ببینید» (دلیلو ۲۰۰۷، ۱۱۶).

علاوه بر آن، شخصیت کیت و حضور ناگهانی وی نیز قابل تفسیر با توجه به قواعد نمادسازی در امر نمادین است. در رمان می‌خوانیم که کیت نودکر^۲ بلافاصله پس از برخورد اولین هواپیما به چند طبقه بالاتر از دفتر کارش، موفق به فرار از برج شمالی می‌شود و گویی در حالت مستی به محل اقامت همسر سابقش لیان پناه می‌برد. وی قبل از حملات یازدهم سپتامبر به‌عنوان وکیل املاک و مستغلات مشغول به کار بود. برخورد هواپیمای پرواز شماره یازده خطوط هوایی به برج شمالی مرکز تجارت جهانی و برخورد کیت با «دیوار» در رمان دلیلو باهم تلاقی می‌کنند (دلیلو ۲۰۰۷، ۳۳۹). در این راستا، گروهی از منتقدان مانند استفان پولاتینسکی و کارن شرزینگر استدلال می‌کنند که کیت همان مرد در حال سقوط همان رمان است و بنابراین، حضوری شبح‌وار در روایت دارد. شرزینگر با تفاسیری که رفتار عجیب کیت را نتیجه وضعیت او به‌عنوان فردی رنج‌کشیده از حملات می‌دانند، مخالفت می‌کند. همچنین، او با هر خوانشی که بقای کیت را بدهی می‌داند، مخالف است و اصرار دارد که کیت مرد در حال سقوط رمان دلیلو است. علاوه بر آن، وی پیراهنی را که از برج شمالی پایین می‌آید (با «پوسته‌ای جسمانی که کیت از آن آزاد شده است») متعلق به کیت می‌داند (۲۰۱۳، ۱۹). آن‌ها اذعان می‌دارد که کازینوی لاس‌وگاس نیز نوعی برزخ برای کیت است. از این دیدگاه، وی مرد در حال سقوط دلیلو را به‌عنوان «مرثیه و عملی از سوگواری» تلقی می‌کند (۲۰۱۳، ۱۷). در خاتمه، چنین می‌توانیم استدلال نماییم که کیت (همانند حوادث یازدهم سپتامبر و برج‌های مرکز تجارت جهانی) همان امر واقعی است که ثابت و بدون تغییر باقی می‌ماند و به مقاومت در برابر اصول و قواعد امر نمادین می‌پردازد، درحالی‌که تفسیرهای پیرامون وی بر اساس قواعد دلالت در امر نمادین ادامه می‌یابد.

۴-۲ روایت هنر و جوشش امر واقعی

در رمان مرد در حال سقوط، روایت هنر دارای جایگاه ویژه‌ای است که با بازنمایی آنچه در یازدهم سپتامبر اتفاق افتاد، این امکان را فراهم می‌نماید تا با تحریک بخشی از ناخودآگاه مخاطبان، جوشش امر واقعی را تسهیل نماید. در نتیجه، سوژه که به‌دلیل پیروی از قوانین نمادسازی ناپیدا است، مستلزم اتخاذ تصمیم در برابر آن است به‌گونه‌ای که قادر خواهد بود خود را در فضایی میان امر واقعی و امر نمادین آشکار سازد. به‌طور خاص، رمان دلیلو، یادآور مرگ وحشتناک یک از قربانیان حملات تروریستی یازدهم سپتامبر است که در عکس نه‌چندان محبوب یکی از عکاسان خبرگزاری اسوشیتد پرس به نام ریچارد درو^۳ ثبت شده است. عکس متعلق به مردی است که کت‌وشلواری رسمی به تن داشت و با پاهایی ضربدری شکل از پنجره یکی از برج‌های مشتعل نیویورک در حال سقوط بود. مشابه آن مرد، هنرمند داستان دلیلو، دیوید جانیاک^۴، با الهام گرفتن از عکس یاد شده، به اجرای پرش‌های نمایشی از ساختمان‌های مختلف در شهر نیویورک می‌پردازد. جانیاک درحالی‌که همانند مرد در حال سقوط عکس درو کت‌وشلواری اداری بر تن دارد و دست‌ها را در دو طرف قرار داده، با یک پای خم شده از ساختمان‌های مختلف آویزان شده و سقوط مرد قربانی را شبیه‌سازی می‌کند. چنانچه در داستان می‌خوانیم:

¹ Martin Ridnour

² Keith Neudecker

³ Richard Drew

⁴ David Janiak

در مورد موقعیت او در هنگام سقوط، موقعیتی که در حالت معلق بودن حفظ کرده است، اختلاف نظر وجود دارد. آیا این موقعیت منعکس کننده وضعیت بدن مردی است که از سقوطش از برج شمالی مرکز تجارت جهانی عکس گرفته شد؟ مردی با دست‌هایی در دو طرف و یک پای خم شده که برای همیشه در سقوط آزاد در برابر پس‌زمینه ستون‌های برج قرار گرفته است. (دلیلو ۲۰۰۷، ۲۲۱)

البته آن‌چنان که در رمان می‌خوانیم، اجراهای خیابانی جانیاک انبوهی از واکنش‌های منفی را در بین ساکنان نیویورک رقم می‌زند که علت آن نوعی وحشت غیرقابل توصیف می‌تواند باشد. برای مثال، استفان پولاتینسکی و کارن شرزینگر استدلال می‌کنند که «شاهدان (یا آیا آن‌ها تماشاگران هستند؟) به این دلیل خشمگین می‌شوند که تمایز میان داستان (اجرای او) و واقعیت (مرگ مردی که نماد آن است) نامشخص است» (دلیلو ۲۰۰۷، ۱۲۹). افزون بر آن، وحشت مردم به این دلیل نیز می‌تواند باشد که اجرای هنرمند آن‌ها را با امر واقعی مواجه می‌نماید. علاوه بر عکس ریچارد درو، آلیسون گیلومر به مجسمه برنزی اریک فیشر^۱ از یک زن برهنه در حال سقوط با عنوان «زن در حال غلتیدن»^۲ اشاره می‌کند. آن‌گونه که گیلومر می‌گوید، مرکز راکفلر در سپتامبر سال ۲۰۰۲ قراردادی را برای نمایش این مجسمه به مدت دو هفته منعقد می‌نماید. باین‌حال، به دلیل آنچه جریحه‌دار کردن احساسات عمومی نامیده شد، مجسمه مذکور ابتدا با پارچه پوشانیده شد و سپس در هجدهم سپتامبر همان سال به‌طور کامل از نمایشگاه حذف گردید.

از این‌رو، جای تعجب نیست که در رمان دلیلو، واکنش اهالی نیویورک به اجراهای جانیاک به هیچ‌وجه دوستانه نیست. جانیاک «در زمان‌های مختلف به دلیل تجاوز مجرمانه، ایجاد خطر با بی‌ملاحظگی و بی‌نظمی دستگیر شده است. وی همچنین توسط گروهی از مردان در خارج از یک کافه در کوئینز مورد ضرب و شتم قرار گرفته بود» (دلیلو ۲۰۰۷، ۲۲۰). چنین واکنش‌هایی را با توجه به مفهوم «عبور از فانتزی»^۳ ژیک می‌توان توجیه نمود که بر اساس آن شاهد فروپاشی فانتزی در لحظات بحرانی و مواجهه مستقیم سوژه با امر واقعی هستیم. در نتیجه، وقتی لیان برای اولین بار و به‌گونه‌ای تصادفی اجرای خیابانی جانیاک از پرش مرد در حال سقوط عکس درو را می‌بیند، شاهد عبور از فانتزی و جوشش امر واقعی در وی هستیم که یادآوری وحشت سرکوب‌شده خودکشی پدرش را موجب می‌شود. در این لحظه، پس از مواجهه با امر واقعی، لیان مجبور به اتخاذ تصمیم است.

دیدن [اجرای] او برای اولین بار، فردای روزی که در موردش در روزنامه خواند، ضربه سختی [برای لیان] بود. مرد سر به سمت پایین، برج‌ها پشت سرش. ... مرد با پیراهن خونی، ... با جای سوختگی و تصویر ستون‌ها پشت سرش، ترکیب‌بندی، [لیان] چنین فکر کرد، نوارهای تیره‌تر برای برج نزدیک‌تر، در قسمت شمال، نوارهای روشن‌تر برای برج دیگر و توده و عظمت آن و مرد که تقریباً بین ردیف‌های نوارهای تیره‌تر و روشن‌تر قرار گرفته بود. سر به سمت پایین، سقوط آزاد، [لیان] با خود فکر کرد و این تصویر سوراخی در ذهن و قلبش ایجاد کرد، خدای من، او یک فرشته در حال سقوط بود و زیبایی‌اش هولناک بود (دلیلو ۲۰۰۷، ۲۲۱-۲۲۲).

اجرای هنری جانیاک آنقدر نزدیک و عمیق است که لیان آرزو می‌کند «می‌توانست باور کند که این نوعی تئاتر خیابانی پوچ‌گرا» است (دلیلو ۲۰۰۷، ۱۶۳). دومین مواجهه لیان با مرد در حال سقوط چنان نگران‌کننده است که لیان به عقب برمی‌گردد و محل را ترک می‌کند. لذا، اثر جانیاک با یادآوری «لحظه نفس‌گیری که همه چیز، خیابان‌ها، نام‌ها، تمام حس جهت و مکان، هر شبکه ثابتی از خاطرات، از بین می‌رود» (دلیلو ۲۰۰۷، ۱۵۶) و از سرزمینی ناشناخته عبور می‌کند که به مقاومت در برابر قوانین دلالت موجود در امر نمادین می‌پردازد. به عبارت دیگر، اگرچه اثر هنری مرد در حال سقوط در ظاهر صرفاً «عروسک‌گردانی» یا «قطعه تئاتر کوچکی» به نظر می‌رسد، در حقیقت، یادآور مردان و زنانی است که از برج‌های در حال سوختن مرکز تجارت جهانی به کام مرگ پریدند.

¹ Eric Fischl

² *Tumbling Woman*

³ *Traversing the Fantasy*

در نتیجه، اجرای هنری هنرمند داستان به‌طور خاص (و *رمان مرد در حال سقوط* به‌عنوان اثری هنری) مخاطبان را بر آن می‌دارد که هرچند برای لحظه‌ای کوتاه با آنچه ژئیکر امر واقعی می‌خواند، مواجه گردند. در این راستا، *رمان دلیلو* به‌عنوان اثری هنری و بازنمود آن از حوادث یازدهم سپتامبر (نماین در اجرای جانیاک) «نگاه جهان را به خود جلب کرد... در آن گشودگی وحشتناکی وجود داشت، چیزی که ما ندیده بودیم، آن پیکره در حال سقوط که ردی از یک وحشت جمعی را به‌جا می‌گذارد» (دلیلو ۲۰۰۷، ۳۳). در نهایت، داستان *مرد در حال سقوط* با بازگشت کیت به دفتر کارش هنگام برخورد هواپیمای پرواز شماره ۱۱ به برج شمالی پایان می‌یابد که از آن به‌عنوان ظاهر شدن دوباره سوژه در محل تلاقی امر نمادین و امر واقعی می‌توان یاد کرد:

دو مرد با برانکار می‌دویدند، یکی رو به پایین، دود از موها و لباس‌هایش بیرون می‌زد. او تماشایشان می‌کرد که در سکوتی حیرت‌انگیز فرو می‌روند. آنجا جایی بود که همه‌چیز، در اطرافش، در حال فروپاشی بود، تابلوهای خیابان، مردم، چیزهایی که نمی‌توانست نامی از آن‌ها ببرد. سپس پیراهنی را دید که از آسمان پایین آمد. او به راه افتاد و دید که در حال سقوط است، دستانش، مانند هیچ چیز دیگری در این زندگی، تکان می‌خوردند. (دلیلو ۲۰۰۷، ۲۴۶)

در پایان، آنچه کیت می‌بیند صرفاً پیراهنی نیست که از برج شمالی در حال سقوط است. در عوض، او امر واقعی را می‌بیند که پس از فرایند نمادسازی از رویداد باقی می‌ماند. علاوه بر آن، خواننده نیز با دریافت تصویری که منبع الهام *رمان دلیلو* است، قادر به مواجهه با امر واقعی است و آن تصویرپردازی دلیلو از قربانی نگون‌بختی است که در حال سقوط به کام مرگ است. در این لحظه، *رمان مرد در حال سقوط* خواننده اثر را بر آن می‌دارد تا به‌وضوح لحظه سقوط را تجسم نماید و شاهد سقوط آن قربانی نگون‌بخت باشد. به‌طور خلاصه، خواننده با تجسم مردی که کت‌وشلوار رسمی به تن دارد و از برج‌های در حال سوختن مرکز تجارت جهانی به پایین سقوط می‌کند، با امر واقعی مواجه گردیده و با اتخاذ تصمیم در خصوص انتخاب نحوه مواجهه و برخورد با آن، دوباره به‌عنوان سوژه ظاهر می‌شود.

۵- نتیجه‌گیری

این مقاله بر آن بود تا به بررسی بازنمودهای *رمان مرد در حال سقوط* اثر دان دلیلو از امر واقعی و فرایند نمادسازی در امر نمادین بپردازد. همان‌گونه که بحث شد، هر چیزی که دارای تعابیر و تفسیرهای متفاوتی است، از منظر ژئیکر بیانگر حضور امر واقعی است. بر این اساس، بازنمود داستان دلیلو از حملات گروه تروریستی القاعده در یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ نیز دربردارنده حضور امر واقعی است زیرا تفسیرهای متفاوتی که از حملات و حوادث پس از آن‌ها در امر نمادین صورت پذیرفت ادامه خواهند یافت. برخلاف چنین تفسیرهایی که پیرو قوانین امر نمادین هستند، خود رویداد بدون تغییر باقی می‌ماند زیرا آنچه در یازدهم سپتامبر اتفاق افتاد به‌خودی‌خود بی‌معنی است و تفاسیر یادشده تلاش‌هایی در جهت نمادین کردن آن می‌باشند. لذا، بازنمود *رمان مرد در حال سقوط* اثر از یازدهم سپتامبر و اتفاقات پس از آن بیانگر مقاومت امر واقعی در برابر فرایند نمادسازی است. البته، باوجود ثابت ماندن امر واقعی، نمادسازی آن در امر نمادین با توجه به قوانین دلالت ادامه می‌یابد. در نتیجه، پس از حملات سال ۲۰۰۱، شاهد نمادسازی از آنچه در یازدهم سپتامبر اتفاق افتاد هستیم که تفسیرهایی از حملات، اهمیت نمادین برج‌های مرکز تجارت جهانی و تفسیرهای متفاوت از شخصیت نمادین کیت و حضور ناگهانی وی پس از حملات در برابر خانه همسر سابقش از جمله بازنمودهای فرایند نمادسازی در *رمان مرد در حال سقوط* می‌باشند. در خاتمه، چنین استدلال می‌گردد که روایت هنر (و البته *رمان دلیلو* به‌عنوان اثری هنری)، با به تصویر کشیدن مردان و زنانی که از برج‌های در حال سوختن مرکز تجارت جهانی به کام مرگ پریدند، جوشش امر واقعی را تسهیل نموده و مخاطبان را بر آن می‌دارد که برخلاف اصول و قواعد امر نمادین، با آنچه ژئیکر امر واقعی می‌خواند، مواجه گردیده و با اتخاذ تصمیم در خصوص انتخاب نحوه مواجهه با آن، دوباره به‌عنوان سوژه ظاهر می‌شوند.

۱. نویسنده اذعان کرد که این مقاله از حمایت مالی هیچ نهاد یا مرکز آموزشی و یا طرح پژوهشی مصوب استفاده نکرده است.
۲. نویسنده اذعان کرد که هیچ تعارض منافی در ارتباط با این پژوهش وجود ندارد.
۳. نویسنده اذعان کرد که در نوشتن این مقاله از هوش مصنوعی مولد استفاده نکرده و تمام اثر آفریده ایشان است.

References

- Boxall, Peter. 2009. "Slow Man, Dangling Man, Falling Man: Beckett in the Ruins of the Future." In *Since Beckett: Contemporary Writing in the Wake of Modernism*, edited by Peter Boxall, Continuum. 166-199.
- DeLillo, Don. 2007. *Falling Man*. New York: Scribner.
- . Dec. 2001. "In the Ruins of the Future: Reflections on Terror and Loss in the Shadow of September." *Harper's Magazine*: 33–40.
- Eagleton, Terry. 1997. "Enjoy!" *London Review of Books*, 27 Nov, 1997.
- Gillmore, Alison. 8 Sept. 2006. "9/11: How Artists Have Responded: Freefall: The Story of Eric Fischl's Tumbling Woman." *Canadian Broadcast Corporation*, <http://www.cbc.ca/Arts/Artdesign/Tumbling.html>.
- Gupta, Priyadarshini. 2025. "The 'Islams' of Muslims in Post-9/11 Fiction: Ayad Akhtar's *American Dervish*." *Hungarian Journal of English and American Studies (HJEAS)* 31 (1): 116–36. JSTOR, <https://www.jstor.org/stable/27386901>.
- Kauffman, Linda S. 2011. In "Bodies in Rest and Motion in Falling Man." *Don DeLillo: Mao II, Underworld, Falling Man*, edited by Stacy Olster, Continuum. 135-151.
- Lacan, Jacques. 1977. *Écrits: A Selection*. Translated by Alan Sheridan, London: Routledge.
- Marandi, S. M., and Z. Ghasemi Tari. 2011. "A Comparative Reading of the Crusades and America's Post 9/11 Literature: *Terrorist* and *The Falling Man*—Two American Novels." *World Studies Quarterly* 1 (1): 233–56.
- Myers, Tony. 2003. *Slavoj Žižek*. London: Routledge.
- Naydan, Liliana M. 2014. "Media Violence, Catholic Mystery, and Counter-Fundamentalism: A Post-9/11 Rhetoric of Flexibility in Don DeLillo's Point Omega." *Critique: Studies in Contemporary Fiction* 56 (1): 94–107.
- Petrovic, Paul. 2014. "Children, Terrorists, and Cultural Resistance in Don DeLillo's *Falling Man*." *Critique: Studies in Contemporary Fiction* 55 (5): 597–609.
- Polatinsky, Stefan, and Karen Scherzinger. 2013. "Dying without Death: Temporality, Writing, and Survival in Maurice Blanchot's *The Instant of My Death* and Don DeLillo's *Falling Man*." *Critique: Studies in Contemporary Fiction* 54 (2): 124–34.

- Riahi Nouri, A., and A. Salami. 2022. "The Terroristic Narrative of the Mass Media in the Wake of 9/11 Attacks: A Baudrillardian Reading of Don DeLillo's *Falling Man*." *Critical Language and Literary Studies* 19 (28): 149–68. <https://doi.org/10.52547/ccls.19.28.149>.
- Shahiditabar, M. 2021. "Linguistic meaning as a physiologic cell: Proposing a cellular-cognitive schema of meaning", *Journal of Foreign Language Research* 10 (4): 800-813. doi: 10.22059/jflr.2021.314666.779.
- Sharif, Negar, and Lida Matin Parsa. 2019. "The Power and Identity of Post-Terror Narrators: 9/11 and Mental Reconstruction in Trauma in Don DeLillo's *Falling Man*." *Critical Language and Literary Studies* 16 (23): 267–99. <https://doi.org/10.29252/ccls.16.23.267>.
- Veggian, Henry. 2015. "Artists and Prophets: *The Body Artist*, *Cosmopolis*, and *Falling Man*." *Understanding Don DeLillo*, University of South Carolina Press: 77–113. JSTOR, <https://doi.org/10.2307/j.ctv6sj90p.9>.
- Žižek, Slavoj. 1992. *Enjoy Your Symptom! Jacques Lacan in Hollywood and Out*. London and New York: Routledge.
- 1991 (A). *For They Know Not What They Do: Enjoyment as a Political Factor*. London and New York: Verso.
- 1991 (B). *Looking Awry: An Introduction to Jacques Lacan through Popular Culture*. Cambridge, MA: MIT Press.
- 1997. *The Plague of Fantasies*. London and New York: Verso.